

# آیت الله سید محمد طالقانی

## در مورد قانون اساسی

۱۱۰۰۱۲۲  
صفحه اول

اینجانب چون این اصول را در قانون اساسی به عنوان کمبود حس می‌دانم و بنقل خودم اصول اساسی  
و همین است برای شما که امیدوارم دقیقاً مطالعه کنید و به هر شکل که می‌توانید از آن  
استفاده و در اصول آن دخل و تصرف نکنید

### اصل [۱]

در مسأله قانون اساسی جمهوری اسلامی و حکم‌نویسی حاصل از آن بطور کامل در وقتش و به سرپرستی بعضی مراجع قرآن کریم ایران  
در ماه ۲۹ و ۱۹۹۰ در جهت تحقق جامعه بی‌طبقه کوشیدی بوده و بر این اساس هر طبقه مساوی و متضاد منافع و جهت  
منافع جامعه بی‌طبقه کوشیدی در جهت تحقق فریب بیشتر جامعه بی‌طبقه کوشیدی مکتوم می‌گردانید و غیر قانونی است

### اصل [۲]

تعریف جامعه بی‌طبقه کوشیدی جامعه‌ای می‌باشد که افراد آن در کل جمهوری جامعه از نظر شرایط امکانات و دست‌آمیزی‌های  
استعدادی، شغلی، مکتبی باشند و در متن جامعه هیچ‌کس از نظر روشنی افق‌های اساسی و اعتقاد به آن حد از اختلاف در مقابل آن  
که مستقلاً و سواد آن در نظر شخص مورد در بعضی یک مجموعه جدا از دیگران طبقه باشند با توجه به حاکمیت‌های حیا و کشته‌دیده‌سود  
طبقات متضاد با منافع کل جامعه بوده اند دولت باید همه امکاناتش را به سرپرستی بعضی مراجع قرآن کریم ایران و لا اله الا  
و نه توبه و ابرار ۲۹ و ۱۹۹۰ در جهت تحقق و رسیدن این طرح جامعه بی‌طبقه کوشیدی طرح کوشیدی

### اصل [۳] تعریف دولت

دولت در جمهوری اسلامی ایران به خلاف آنکه در گذشته که حاصل تقیاد طبقات موجود در جامعه و حامی منافع طبقات  
مختص است که منافع گروه‌های مختلف جامعه بوده اند تنها در تمام حصول اراده از حیث مجموع همه نیروها و فواید  
و حامی به کل مختلف جامعه و سهیل اراده کرده استقیف و نیروهای واقعی طرفدار استقیف و در جهت رسیدن  
مشکلات و کاستی‌های مختلف استقیف و در زمان ۱۹۹۰ دفاع و طرفدار کرده‌اند  
و در دوران امکانات بر مبنای سیاسی روشنی استقیف که بر اثر تربیت مردم در جامعه که ظهور مکتبی شده است نیز نیروهای با هم و در دوران  
نیروهایش در مقابل خود و افراد جامعه مسئول به جرات کوشی است

### اصل [۴] کار

اساس بهره‌وری افراد در اجتماع کار آنها می‌باشد دولت موظف است به عنوان یک مجموع مسئول در این معنای کار و کارگر و  
کارفرما در دولت و نیروی وجود آورد و بر این اساس به نفع دولت اصلی کارکنان باید از مردمش کار فراموشی نشود کارگرانی که  
کنند از مجموع امکانات است مسترد بل قوه اش بر آنکه به معنی بودن کار کارگران در جهتشان استفاده کند و همچنین اساس از روشی  
کار را در راه با سرمایه و وسائل تولید کار کارگر قرار دهد و همچنین در حالت بیشتر کارگرمی را در تولید بهره‌وری در هر فرد از افراد  
سود بیاورد سرمایه‌گذار در هر صورتی در قوه دولتی و کسبش از افراد مسأله‌ت جعی با همه امکانات بل قوه‌ی دولتی است و هر چه از  
و همچنین معیاش و ستاد و کارگر بر اساس زبان کار انجام شد در هر مرحله از تولید کالا نسبت به کل زبان تولید کار و در راه  
مستقیم با ارزش کارهای تولید شده باشد ~~و در هر مرحله از تولید کالا نسبت به کل زبان تولید کار و در راه~~

اصول

۵- اسرار

از آنجا که احتیاجات مهم جامعه از اوراق عمومی در مسائل بر تاسی در حد نیاز باید بر اساس زندگی کل جامعه و بر مبنای یک نظامی که می تواند ملهم از انگوی یک فرد بسیار عادی در رابطه با امکانات نسبی جامعه برده در چنین حال افراد عمومی استفاده از همه گونه رفاه نسبی اساسی و مستمر غیر تجلی و انفرادی در رابطه با امکانات برودت روز افزون جامعه باشند بدین است که تجاوز تا حدودی حیثیتی از این معیار در رابطه با احتیاجات فردی در دنگی افراد جامعه از سویی و توسع تجاوز به حقوق جامعه و جمع که خود تر جینی از آن است محسوب می باشد و به عبارت دیگر نوعی تجاوز انفرادی به خودی باشد دولت مرطوف است به بی حیثی از اسرار کماله های ضروری و ناکوت در رابطه با نیاز نسبی افراد محدودیت کمی مائل شود حتی اگر افراد قدرت خرید کافی داشته باشند

۶- قانون در نما آوردن

دولت مرطوف است به تفاسی خودی و باید توسعه افراد ملت در سطح کار خودی در مورد افراد که تحت معنوی بین خودی و انفرادی که مدعی اندتها حصول کار و فعالیت مستمر آنها در جامعه می باشد و کار انجام ندهد آنها در رابطه با بهداشت اجتماعی آنهاست به جامعه و منافع کلی جامعه ندارد به برودت نسبی هر یک قرآن آیه ۳۵ تا ۳۷ که اصل در نما آوردن در هر چه مدعی زمان با کدام بهارت و چه قدر در فعالیت مونس و غیر مونس در کار و وقت چهره ای معقول یا غیر معقول با کار و تری دست در مجموع هر رابطه با منافع جامعه بعنوان یک منفردیت و فعال نیست به آن دلگت اگر و آنها بهداشت است در رابطه با امکانات بل توانست انجام داده در

۷- تعریف زمین

باتوجه به در انهای گذشته و جوامع انسانی و تحول مستمر آن در رابطه با زندگی انسان استفاده از زمین به در شکل مادی باشد یکی مکتوبی که بازده استفاده از آن باید در رابطه و بر اساس احتیاجات کار داد و مقامی افراد باشد این زمانه در رابطه با رفاه نسبی افراد جامعه و برودت از نفس هر یک آیه ۱۳۱ تا ۱۳۲ رسانده و معنی باشد دوم استفاده از زمین بران تکی شدن و معقول کردن کار افراد جامعه و در رابطه با نیازهاک اساسی افراد و در رابطه با احتیاجات نسبی و ضروری آنها می باشد و بر این اساس زمین که بعضی است از آنکه خدا بر افراد جامعه و مالکیت آن از آن فراسود باید در شرایط مساوی و صرفاً بخاطر حق شدن کار و بر این کینتهای مختلف کار در رابطه با نیازهاک اساسی جامعه در اختیار افراد قرار گیرد و صرف اساسی آن کل زمانه افراد جامعه می باشد بر این اساس دولت مجری و حلقه بر اجرا اصول دینی شده می باشد همچنین دولت مرطوف است شرایطی بوجود آورده همگان بتوانند از زمین در رابطه با نیازهاک اساسی خویش استفاده کنند

۸- رابطه مالکیت و جامعه

از آنجا که زندگی و روند تولید در جامعه از استقلال ابتدایی تا عالی بصورت جمعی و تدریجی بوده و زندگی خودی بسوا از جمع مردم استفاده از امکانات جمعی و کار کلی غیر ممکن بود در رابطه با این روند باید مالکیت نیز مستقماً باهاست زندگی و روند تولید جمعی بوده نباشد به این اساس با توجه به آنکه مالکتهای غیر جمعی و فردی موجود نسبی فقر و استثمار و زور و زور و انهدن حالتی جبار کننده که مولد طبقات مختلف و درجهت مختلف منافع متعلقین بود به برودت از نفس مزج سوره اعیان آیه ۲۹ تا ۳۰ با وجود آمدن مالکتهای جمعی دولت مرطوف است همه امکاناتش را در راه بوجود آمدن مالکتهای جمعی قرار ندهد

اصول ۹

هر مالکیت غیر جمعی بر وسائل خارج از محدوده شخصی افراد به خارج از وسائل غیر شخصی مانند خانه مسکن پرشاک و  
از اوق عمومی می باشد در مقبول و مسائل اساسی تولیدی مانند کارخانه فرسایش و غیره باید تا وجود آمدن مالکیت جمعی  
که در این معقولی بین افراد و مالکیت تولید است باید حیاستن در در رابطه با حیاط و منافع مالکتهای جمعی سنجیده و توانایی  
از مالکیت جمعی باشد

اصول ۱۰

با توجه به اینکه زندگی هر فرد در صورت اجتماع در رابطه با نیازهای گوناگون فرد ممکن نیست حتی اگر فرد در بخش عظیمی  
از محیط دسترسی داشته باشد برای اساسی و مالکیت حقوق جمع در جامعه اصل اساسی می باشد و در رابطه با این اصل  
حقوق فرد باید تا بعضی از حقوق جامعه و جمع که خود نیز جزئی از اینک و ستریک در آن می باشد هر حقوق فردی در رابطه  
معقولی با منافع جامعه باشد مانند غیر قانونی است و می تواند برای احیای جامعه بواسطه دولت مورد استفاده شود  
قرآنی در بعضی موارد قرآن توبه ۳۵ و ابراهیم ۲۹

اصول ۱۱

بهر فرد در جامعه در مقابل حرکت و فعالیت پویا و شریک و شریک نیست به دولت محقق است و دولت با توجه به جمیع  
امکاناتش با توجه به حقوق اقتصاد و فرهنگی که از هر فرد می آید و گزینش بر جای می آید. مطلق است شرایط زندگی در زمان  
افراد را بواسطه اساس ایجاد کار مناسب همچنین بهداشت آموزش و پرورش و آکندهای فرد در زندگی در رابطه با منافع کل  
مستحق جامعه بوجود آورد همچنین افراد حق دارند در جامعه شاهد فقر و بدبختی و گلهان بواسطه استثمار افراد  
از یکدیگر و بیایی که در دولت نبوده و دولت در مقابل این خواسته ها شروع میکند است همچنین دولت موظف  
است در سیاستهای داخلی و خارجی اش انقلابی و مستعد و عهد امیرالمؤمنین و عهدینش در رابطه با جزایرهای موجود در جهان  
همگن کرده و فردی در افراد حق ندارند شاهد عملیهای انقلابی و مستعد و عهد امیرالمؤمنین و عهدینش و عدم همکاری  
و تسلیم دولت دولتان در مقابل همگن و سایر ارجاع و امیرالمؤمنین و عهدینش در برابر جهان باشد و همه افراد جامعه  
حق انتقاد به دولت را دارند

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

اصول ۱۲

بهر فرد در مقابل تعهدات دولت در مقابل افراد جامعه و برای تحقق خواسته های زندگی شده در اصل ۱۱  
که همبر همه نسبتاً کامل و قابل تصور و گسترده حقوق حقه هر فرد مستعد و انقلابی نیست به خود و جامعه می باشد  
هر فرد برای تحقق این اصول که ضمانت سعادت جمیع افراد جامعه و از جمله خود اوستی باشد باید باز از من حیث  
الجمیع و کتاب در دعای اجتهادی خویش را با توجه به نیازهای اساسی مقدم خویش و با توجه به اصل اسراف و در رابطه  
با نیازهای مشترک خویش و جامعه و وجه مشترکهای اساسی خود و جامعه به بیروی از نفس جمعی که آن بیروی  
تقریباً ۲۱۹ ابراهیم ۱۹۹ و توبه ۳۵ برای سعادت خود و جامعه در اختیار دولت می آید

